

۲۰۲۷/۱۳

السلامة للجميع

بررسی حاکمیت دولتها و حق تعیین سرنوشت ملتها

(با نگرشی بر وضعیت کردهای ترکیه و عراق)

مؤلفان :

منوچهر نعمتی

حسین رستم زاد

سخنانش انتشارات

سرشناسه	: نعمتی، منوچهر، ۱۳۷۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی حاکمیت دولتها و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها (با نگرشی بر وضعیت کردهای ترکیه و عراق)/مولفان منوچهر نعمتی، حسین رستمزاده.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات راه دکتري، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهري	: ۹۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۵-۹۰۴-۸
وضعیت فهرست‌رسي	: بيا
موضوع	: کردان -- ترکیه -- رابطه با دولت
موضوع	: Kurds -- Turkey -- Government relations
موضوع	: کردان -- عراق -- رابطه با دولت
موضوع	: Kurds -- Iraq -- Government relations
موضوع	: کردان -- ترکیه -- سیاست و حکومت
موضوع	: Kurds -- Turkey -- Politics and government
شناسه افزوده	: رستمزاد، حسین، ۱۳۴۸ -
رده‌بندی کنگره	: DS۱۳۹۸۵۹/۷۷۴۴
رده‌بندی دیویی	: ۰۰۴۹۱۵۹/۹۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۴۲۱۶۶

عنوان: بررسی حاکمیت دولتها و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها (با نگرشی بر وضعیت کردهای ترکیه و عراق)
 مولفان: منوچهر نعمتی، حسین رستمزاده
 ناشر: انتشارات سنجش و دانش
 نویت چاپ: اول ۱۳۹۸
 صفحه‌آرایی: مهدیه مخبري
 طراح جلد: مهتاب دوستي
 ناظر: نسرین خانی
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه

«کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است»

بهاء: ۲۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول :	۱۱
مفاهیم و مبانی اصل حاکمیت دولتها و بشریت	۱۱
مفهوم اصل حاکمیت دولتها	۱۲
تحول مفاهیم در شقوق بین الملل	۱۵
شکاف در دیوار بی بلند حاکمیت و تقدم حق بشر	۱۹
فصل دوم	۳۸
برقراری فضای امن در کردستان ترکیه عراق	۳۸
مفهوم امنیت	۳۹
مبایذ فضای امن و امنیت	۳۹
عرصه های امنیت	۴۳
مفهوم حقوقی «امنیت»	۴۶
ناامنی ساختاری	۵۲
ناامنی ارگانیک	۵۳
ناامنی در روابط دولتها	۵۴
اعتبار ضمانت اجرا در تئوری و عمل	۵۵
فصل سوم	۶۴
مشروعیت عملکرد اکراد در ترکیه و عراق	۶۴
بحران های جهان امروز	۶۵
بحران در مفهوم قدرت عمومی	۷۷
حکمرانی بایسته	۸۴
آزادی افراد شرط وجود استقلال	۸۷

۹۰	منابع و مأخذ.....
۹۱	منابع لاتین:.....
۹۴	برخی اسناد بین المللی.....

www.ketab.ir

تاریخ به ما می آموزد که زندگی ما با زندگی تمام افراد جامعه و قوم ما ارتباط دارد، و زندگی جامعه و قوم ما نیز با زندگی جوامع و اقوام دیگر پیوسته است؛ گویی زندگی تمام اقوام و جوامع انسانی با رشته ای نامرئی به یکدیگر وابسته است.^۱

یگانگی و اتحاد افراد یک ملت در محدوده مرزهای معین، با همزیستی و همآوایی آنان در پهنه وسیعتر جامعه جهانی ارتباطی مستقیم دارد و نشان میدهد که زندگی ساده ترین فرد انسانی نیز در آنرا و علاء مطلق نیست و حتی حیات انسانیت با هستی تمام کائنات اتصال دارد و یک پارچه است.^۲ به علاوه، همانطوری که هانری برگسون هم معتقد بود، اتصال فرد با تمامی بشریت و ارزشهای مرتبط با آن تنها محدود به عصر حاضر نیست و به گذشته و به آینده نیز تعمیم می یابد. هنری «استوار» نشان می دهد که وجود انسان معنا و هدفی دارد که حتی مرگ هم آن را از میان نمی برد. این همان چیزی است که ما می نامیم: جهان هست، حق این است که بگوییم جهان مستمر است. به همین علت نمی توان تصور کرد که افراد یک قوم پیش از آنکه در میان خود صلح را برقرار و حکومت قانون و امنیت را مستقر کرده باشند، با افراد و اقوام دیگر مانوس و مألوف شده باشند.

همدلی و اتحاد افراد هر قوم، و استقرار حکومت قانون برای تضمین آن اتحاد و همچنین ایجاد رابطه با اقوام دیگر، به تدریج محقق گردیده است و تا زمان حال ادامه یافته است. البته تحولات و تطورات زندگی اقوام و ملل در سیر زمان بیش از آنکه علت شده باشند، مبتنی بر عوامل روانشناختی و جامعه شناختی بوده است.^۳ به عبارت دیگر، سازمان دادن افراد،

^۱ عبدالحمید زرین کوب، تاریخ در نواز، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۶

^۲ همان

^۳ Henry Bergson

^۴ فی المثل، نخستین فراعنه مصر در گذشته های دور توانستند با استفاده از این عوامل، قبایلی را که طی سالیان دراز در دره های نیل عزت گریه بودند با مفهوم وحدت و صلح آشنا سازند و استفاده، صحیح و منظم از نیل را به تحقق این ضرورت، یعنی لزوم همدلی و هم آوایی و تلاش همه جانبه آنان تحت فرمانروایی یک حاکم (یک دولت) منوط کند.

در هر سرزمین ، آنگاه میسر گردید که به آنان نشان داده شد چگونه با یکدیگر تشابه دارند. این همانندی از یک طرف ، افراد تحت حکومت را وادار نمود که ابتدا مطیع یک نفر و سپس یک دولت باشند و در زندگی روزمره خود از یک نظام اجتماعی ، اعم از مذهبی یا سیاسی تبعیت کنند؛ آنگاه بر اساس اعتقادات و باورهای دینی و بنا بر مصالحی ، روابطی نه چندان مستحکم با یکدیگر برقرار نمایند. از طرف دیگر ، حکومتها را نیز ناگزیر کرد در برابر قواعد منطبق محض سر فرود آورند؛ به این صورت که ، ضمن در نظر گرفتن استعدادهای متفاوت ، همه افراد و گروهها را برابر بشمارند. اما این وضعیت تا دیرزمان نپایید و در تند باد حوادث تاریخی از میان رفت. به گونه ای که به جای همدلی و حکومت قانون ، حکومت خودکامگان و زورگویان استقرار یافت.

از آن زمان تا به حال با آنکه از جود حاکمان به صورتهای مختلف خودنمایی کرده است ، در موارد بسیار و به تناسب رشد بالندگی هر جامعه ، باز از دل هر مظلومه و بی عدالتی ، «حکومت قانون» سر بر آورده و همبستگی و ردت را جایگزین وحشت و خشونت گردانده است.

امپراطوری روم قدیم نمونه اجلائی این تطور است. این امپراتوری در ۴۷۶ میلادی سقوط کرد. هم در این زمان بود که اقوام وحشی به قلمرو وسیع آن حمله آوردند و مبنای «همبستگی» و «حکومت قانون» را از میان بردند.

نظام حقوقی مجموعه ای است منسجم از تمامی عناصری که در تاسیس حقوق حاکم بر حیات و هر جامعه انسانی سهمی اساسی دارد؛ فی الواقع نظام حقوقی بر جامعه انسانی حکومت دارد با این حال آنجایی که جامعه انسانی اشخاص را بطور مستقیم متشکل می سازد نظام حقوقی نظامی دولتی است و در انجا که جامعه دولتها اشخاص را بطور غیر مستقیم گرد هم می آورد نظام حقوقی نظامی بین المللی است.